

به نام خدا	جزوه فارسی	آرایه ها
<p>نثر و شعری که در آن آرایه سجع به کار رود، مُسَجَع یا آهنگین نامیده می‌شوند. در این گونه نثر، جمله‌های مشابه را قرینه می‌گویند و واژه‌های آخر قرینه‌ها در وزن یا حرف یا هر دو هم‌خوانی دارند.</p>		
<p>تکرار در اصطلاح بدیع آن است که واژه ای در شعر برای تعظیم، ناکید، تنبیه، زیبایی و یا مقاصد دیگر پشت سر هم یا با فاصله، چندین بار آورده شود. برخی نیز معتقدند که اگر واژه ای دوبار در شعر بیاید " تکرار " و اگر سه بار یا بیشتر باشد " کثرت تکرار " خواهد بود.</p>		
<p>هر گاه دو واژه با معنای متضاد در یک بیت یا عبارت به کار رود آرایه تضاد پدید می‌آید.</p>		
<p>تصدیر یا رَدُّ الْعَجْزِ عَلَى الصَّدر در اصطلاح بدیع، آن است که کلمه ای که در ابتدای بیت آمده است یعنی صدر در انتهای بیت تکرار شود و عَجْز یا ضرب (شعر) گردد</p>		
<p>تشبیه یعنی مانند کردن چیزی به چیز دیگر که به جهت داشتن صفت یا صفاتی با هم مشترک باشند. هر تشبیه دارای چهار رکن یا پایه است: ۱- مشبه: کلمه‌ای که آن را به کلمه‌ای دیگر تشبیه می‌کنیم. ۲- مشبه به: کلمه‌ای که کلمه دیگر به آن تشبیه می‌شود. ۳- اادات تشبیه: کلمات یا واژه‌هایی هستند که نشان دهنده پیوند شباهت می‌باشند و عبارتند از: همچون، چون، مثل، مانند، به سان، شبیه، نظیر، همانند، به کردار و ۴- وجه شبه: صفت یا ویژگی مشترک بین مشبه و مشبه به می‌باشد. (دلیل شباهت)</p>		
<p>جناس یا همجنس‌سازی نزدیکی هر چه بیشتر واژه‌ها از نظر لفظی است. آرایه جناس به دو نوع اصلی تقسیم می‌شود: جناس تام و جناس ناقص. هر گاه دو واژه در یکی از موارد آوایی زیر با هم اختلافی جزئی داشته باشند و در یک بیت یا عبارت به کار روند؛ که انواع آن جناس ناقص، جناس زاید، جناس مذیل، جناس مرکب، جناس مفروق، جناس مقرون، جناس متشابه، جناس مطرف، جناس خط، جناس لفظ و جناس مکرر هستند که در مرور زمان به دلیل تقسیم بندی زیاد در حال کنار گذاشته شدن هستند. اختلاف دو واژه در صداهای کوتاه (اعراب) جناس ناقص محرف یا جناس ناقص حرکتی می‌باشد:</p>		
<p>در زبان‌شناسی، اشتقاق یکی از روشهای واژه‌سازی برای ساختن کلمات جدید است، همانطور که کلمه شاد-ی و نا-خشنود از کلمه شاد، یا کلمه تعیین از کلمه تعیین کردن ساخته شده است. یک تقابل با فرایند صرف معنی می‌شود که نوع دیگری از وند را به منظور ساختن نوع دیگر همان کلمه بکار می‌گیرد. همانطور که تعیین کردن / تعیین کردن سوم شخص / در حال تعیین کردن / معین). ۱) یک پسوند اشتقاقی معمولاً مربوط به کلماتی از مقوله نحوی است و آنها را به کلماتی از مقوله نحوی دیگری تغییر می‌دهد</p>		
<p>هر گاه صفات انسان را به یک جسم بی جان ربط بدهیم از آرایه ی تشخیص استفاده کرده ایم</p>		
<p>تَخَلُّص به دو معنی در میان اهل ادب معمول است. نخست نام یا کنیه‌ای هنری است که شاعران برای خود انتخاب می‌کنند. بسیاری از شاعران بزرگ زبان فارسی به تخلص خود معروف هستند. مانند نظامی (که نام او الیاس بن یوسف بود)، سعدی (که نام او به احتمال زیاد مشرف‌الدین بود)، حافظ (که نام او شمس‌الدین محمد بود). ولی مولوی تخلص شخصی‌اش «خمش» یا «خاموش» بود و بسیاری از مواقع نیز به خاطر ارادت به شمس تبریزی «شمس» تخلص می‌کرد. به هر حال به تخلص معروف نیست.</p>		
<p>صفحه ی اول</p>		

<p>هر گاه موضوعی را که مربوط به یکی از حواس است. به چیزی نسبت دهیم که با آن حس قابل احساس نباشد، آرایه حس آمیزی آفریده می‌شود که در زبان روزمره نیز کم کاربرد نیست.</p>
<p>ایهام یا توریه یا آوردن واژه‌ای است با حداقل دو معنی که یکی نزدیک به ذهن و دیگری دور از ذهن باشد. مقصود شاعر گاه معنی دور و گاه هر دو معنی است. در ایهام، واژه یا عبارت به گونه‌ای است که ذهن بر سر دوراهی قرار می‌گیرد و نمی‌تواند در یک لحظه یکی از دو معنی را انتخاب کند. گرچه دریافتن اینکه کدام معنی اصلی است و کدام فرعی، بسته به رابطهٔ کل کلمات مصرع یا بیت با کلمهٔ مورد ایهام است</p>
<p>ایهام تناسب عموماً با درگیر ساختن ذهن خواننده بر سر انتخاب یک معنی از میان چند معنی لغت، لذت ادبی ایجاد می‌کند. تفاوت ایهام ساده با ایهام تناسب آن است که در ایهام، هر دو معنی پذیرفتنی است اما در ایهام تناسب، تنها یک معنی به کار می‌آید و معنی دوم با واژه یا واژه‌های دیگر یک تناسب (مراعات نظیر) ایجاد می‌کند. بیشتر این ایهام تناسب در ادبیات فارسی در اشعار حافظ و سعدی است</p>
<p>هنگامی که شاعر یا نویسنده، صفتی را در فرد یا پدیده‌ای آنچنان برجسته نشان دهد که در عالم واقع امکان دستیابی به آن صفت در آن حد و اندازه وجود نداشته باشد، آرایه اغراق آفریده می‌شود. البته این ادعای غیر ممکن باید به گونه‌ای بیان شده باشد که باعث افزایش گیرایی سخن گردد و شعار گونه و غیر واقعی جلوه نکند.</p>
<p>آوردن کلمه‌های هم وزن و هم آهنگ که مترادف باشد هم به زیبایی متن کمک می‌کند. را آرایه مترادف میگویند</p>
<p>هر گاه واژه‌ای به دلیل شباهتی که با واژه دیگر دارد به جای آن به کار رود استعاره پدید می‌آید. (همچنین بیان امری نا شناخته بر حسب امر شناخته شده) در واقع استعاره نوعی از تشبیه است که یکی از ادوات تشبیه در آن ذکر نشده باشد (یا مشبه یا مشبه به ذکر نشده باشد)</p>
<p>هر گاه شاعر یا نویسنده‌ای، بخشی از نوشته فردی دیگر را در میان اثر خود جای دهد، آن شعر یا نوشته را تضمین نموده‌است.</p>
<p>آوردن دو یا چند واژه در یک بیت یا عبارت که در خارج از آن بیت یا عبارت نیز رابطه‌ای آشنا و خاص میان آنها برقرار باشد</p>
<p>هر گاه با شنیدن بیت یا عبارتی به یاد داستان و افسانه، رویدادی تاریخی و مذهبی یا آیه و حدیثی بیفتیم، بدون آنکه آن موضوع مستقیماً تعریف شده باشد، آن بیت یا عبارت دارای آرایه تلمیح است.</p>
<p>هر گاه برای تأیید یا روشن شدن مطلبی (معمولاً پیچیده) آن را به موضوعی ساده‌تر تشبیه کنیم یا برای اثبات موضوعی نمونه‌ای بیاوریم آرایه تمثیل را به کار گرفته‌ایم.</p>
<p>هر گاه کلمه ای، جز معنی اصلی خود، نشانه و مظهر صفت‌ها و ویژگی‌های دیگری قرار گیرد، به آن «نماد» گفته می‌شود</p>
<p>صفحه دوم</p>
<p>موق باشید _ ســــینا جانی</p>

